



دکتر یوسف نبیا
شاعر و پژوهشگر

برون آمد آن پهلو از نیمروز
همی رفت شادان رخ و دلفروز
دو روزه به یک روز بگذاشتی
شب تیره را روز پنداشتی

مازندران یعنی سرزمین دیوان رفته و در آنجا گرفتار دیوان شده است و چشم هایش را کور کرده اند، با مشورت پدرش زال تصمیم می گیرد به مازندران برود و کیکاوس و همراهانش را نجات دهد و به ایران بازگرداند و برای این کار از بیراهه می رود تا زودتر مأموریتش را با توفیق به سرانجام برساند. فردوسی در بیت های آغازین این داستان می گوید: رستم از سیستان بیرون آمد و با دلی مطمئن و عزمی راسخ راهی را که به دو روز پیموده می شود به یک روز پیمود و حتی در شب ها نیز مانند روزها طی مسیر کرد و رخس نیز همراه رستم راه این سفر دشوار را شبانه روز طی کرد تا به مقصد برسد.

در این بیت ها «پهلو» یعنی پهلوان که منظور «رستم» است و «نیمروز» نام دیگر «سیستان» یعنی زادگاه و موطن رستم است.

هفت مرحله دشواری که رستم باید از آن ها بگذرد تا به مازندران برسد، به روایت شاهنامه فردوسی عبارت انداز: رویارویی با شیر درنده، گذر از بیابان گرم و بی آب وعلف، نبرد با اژدها، رویارویی با جادوگر دیوسرشت، نبرد با «اولاد، دیوپهلوان،نبرد با،ازنگ،دیو،نبرد با،دیوسپید»، رستم با همراهی رخس و کمک های کارگشای این اسب باوفا در هفت مرحله توفیق می یابد و بر دشمن پیروز می شود و سرانجام به «مازندران» می رسد و کیکاوس و همراهانش را نجات می دهد.

«مازندران» در شاهنامه به معنای مازندران امروز یعنی سرزمینی در شمال ایران نیست، بلکه به نوشته پژوهشگران، جایی «در مشرق ایران و حدود هند، یا «در مغرب و حدود شام و یمن» یا «در آفریقا و جنوب مصر» است که کوه های بلندی دارد و در جهان اساطیری جایگاه دیوان است. سرزمینی که اینک ما به نام استان مازندران می شناسیم نیز در آن روزگار «طبرستان» نام داشته است.

عدد «هفت» علاوه بر معنای اصلی خویش که بر مبنای ریاضی یکی از اعداد یک رقمی فرد است، در ادبیات اساطیری، معنای دیگری نیز دارد، از جمله اینکه نشان دهنده بلوغ و کمال است. «داستان هفت خان رستم» نیز که شکل های مشابهی از آن در دیگر داستان های اساطیری ایران و جهان وجود دارد، علاوه بر نقش مهم و تکمیل کننده ای که در میان قطعات داستان بزرگ حماسه ملی ایران دارد، نشان دهنده بلوغ و به کمال رسیدن رستم و نمایشی از تحقق یافتن ظرفیت های انسانی و اوج هنرنامه‌ی های جهان پهلوان بزرگ ایران است.

معرفی کتاب

از چالش های تک فرزندی چه می دانید؟

معرفی کتاب «بادبان ها را بکشید»

کتاب «بادبان ها را بکشید» با ارائه روایت ۱۱ خانواده ای که دارای سه فرزند یا بیشتر هستند، تلاش دارد تصور عمومی جامعه را نسبت به پدیده چند فرزندی تغییر دهد. به گزارش تسنیم، کتاب «بادبان ها را بکشید»؛ شامل ۱۱ روایت از خانواده های ایرانی به تازگی از سوی انتشارات «راه یار» منتشر شد و در دسترس علاقه مندان قرار گرفت. کتاب حاضر که به کوشش جمعی از نویسندگان و یادبیری مریم حلاج تدوین شده و شکل گرفته است، به سراغ خانواده هایی رفته که با انتخاب چند فرزندی، خانواده خود را گسترش داده و مسیر زندگی خود را تغییر داده اند. کتاب تلاش دارد در این مسیر از راوایان در موقعیت های مختلف اجتماعی و اقتصادی استفاده کند؛ به همین دلیل در این اثر هم شاهد روایت مادری هستیم که در روستا زندگی می کند، هم مخاطب روایت مادری که برای حفظ موقعیت اجتماعی خود تا پای سقط جنین پیش رفته و هم شاهد زندگی زنی که پس از ۱۰ سال تصمیم می گیرد زندگی خود را از این طریق تغییر دهد. نویسندگان کتاب حاضر برای رسیدن به این ۱۱ روایت، سراغ ۷۰ خانواده دارای سه فرزند یا بیشتر رفته و سپس در نهایت، با در نظر گرفتن تنوع موقعیت های جغرافیایی، تحصیلی، فرهنگی و... به این ۱۱ روایت رسیده اند. در مقدمه این اثر ضمن اشاره به هدف از نگارش این کتاب، به تمایل بیشتر زوجین کشور به بچه دار شدن یا پسنده کردن به یک یا دو فرزند اشاره می شود و در ادامه، آسیب های این نگاه به خانواده ایرانی از منظر روان شناسی و جامعه شناسی برشمرده می شود. در بخش هایی از این قسمت کتاب می خوانیم: خانواده ها دیگر بچه دار نمی شوند یا به یک یا دو فرزند اکتفا می کنند و بدیهی است این وضعیت در کشور ایران از آثار سیاست «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و محصول ویژگی های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جاری است. این در حالی است که فرزندان خانواده های کم جمعیت از توجه افراطی والدین رنج می برند. در این خانواده ها تمام توجه و تمرکز والدین بر یک یا دو فرزند است و این موضوع خودش را در کمال گرای، استرس و اضطراب زیاد بچه ها نشان می دهد. از طرفی وابستگی والدین به فرزندانشان بیشتر است و این به نوبه خود موجب اضطراب والدین در ارتباط با فرزندان می شود.

در بزرگسالی نیز به دلیل نداشتن خواهر و برادر، شبکه خویشاوندی دایی، عم، همه و... تضعیف می شود و این مشکل در روابط بین نسلی بیشتر خودش را نمایان می سازد. نبود روابط غنی خویشاوندی در کودکی و بزرگسالی در بلند مدت به شکل گیری مشکلاتی مانند اضطراب، افسردگی و... دامن زندی. تحقیق کتاب «بادبان ها را بکشید» برعهده زینب ناجی جمال و مریم حلاج بوده و تدوین آن توسط فاطمه شایان پویا، طاهره مشایخ، سعیده تیمورزاده و فریده الیاسی فرد انجام شده است.



فرهنگ و ادبیات

جلسه نقد و بررسی آخرین اثر مرحوم محمدرسور رجایی در حسینیه هنر مشهد برگزار شد

«وطن دار» روایت نخبگان مهاجر است



هر جا راوی بخواهد در برود می توانی یقه اش را بگیری. ولی وقتی خودش می خواهد روایتش را بنویسد از چالش ها عبور می کند.»

● کاش به غیر از نخبگان از دیگر اقشار افغانستانی هم روایت داشتیم

محمد کاظم کاظمی دیگر شاعر و محقق افغانستانی است که درباره آخرین اثر مرحوم محمدرسور رجایی صحبت کرد. او ارزش این اثر را بیشتر از آن چیزی دانست که قبل از تألیف کتاب تصور می کرده است: «مرحوم رجایی وقتی درباره این مجموعه حرف می زد و می گفت یک تعداد روایت از مهاجرت است. خوب برای ما چیز جدیدی نبود، ولی وقتی کتاب منتشر شد و روایت های مختلف در کنارهم آمد و طیف های مختلف جامعه مهاجران هرکدام به زوایایی از مشکلات مهاجرت پرداختند. یکی از کسانی که در این کتاب روایتی از او آمده، کسی است که از مادر ایرانی متولد می شود و بعد شناسنامه می گیرد. ولی ما می بینیم که این قانون دوباره از بین رفته است. در اینجا انواع مسائلی که جامعه مهاجر با آن دست و پنجه نرم می کند وجود دارد.»

کاظمی سپس به ویژگی های شخصیتی مرحوم رجایی اشاره کرد و گفت: «بنده یک جامعیتی که در مرحوم رجایی می دیدم، هر جادخدمتی بود برای جامعه مهاجری، سرور رجایی مورد مراجعه بود. هرکسی در حوزه مهاجرت به ویژه در تهران داشتیم اولین منبع مهاجرت او بود. حالا که نیست می بینیم چقدر دست ما خالی است. من خودم اکنون برای یک برنامه رادیویی متن هایی می نویسم که درباره نخبگان افغانستانی است. یکی از منابع من برای نوشتن این متن ها کتاب ایشان است.

این کتاب علاوه بر روایت مهاجران، شناخت نامه برخی از مهاجران افغانستانی هم هست.»

کاظمی در پایان صحبت هایش «وطن دار» را روایت نخبگانی از جامعه مهاجر افغانستانی دانست و نه همه جامعه مهاجر: «ما روایت خیلی از مهاجرانی را که به دلیل تنگناهای مختلف به موفقیت رسیدند در این کتاب نمی بینیم شاید به این دلیل است که فقط از اهل قلم درخواست کردیم که روایتشان را بنویسیم نه از یک کارگر یا کشاورز مهاجر. البته بعضی از نخبگان ما کارگر و معلم هم بوده اند و خود این ها هم درگیر مشکلات مختلفی بوده اند. می توانم بگویم این کتاب روایت نخبگانی جامعه مهاجر است نه همه جامعه مهاجر.»

شاعر و نویسنده را کنار هم قرار می داد انسجام بهتری می داشت، درحالی که ما اینجا شاعر، نویسنده، فعال اجتماعی، هنرمند، خطاط و تعدادی دانشجو هم داریم، این چیزها هم به نظرهم جزو نقاط ضعف کار است و این تصور را ایجاد می کند که گردآورنده از سر اجبار این کار را کرده نه از سر اختیار.

از این جهت که چون نتوانسته ۲۸ نفر نویسنده و شاعر پیدا کند رفته سراغ دیگران. برای همین این تصور را ایجاد می کند که کارفوری و اضطراری انجام شده است. از طرفی، راوایان از لحاظ تجربه های مهاجرت و مهاجر بودن یکسان نیستند. مثلاً یک عده در عنوان جوانی به ایران آمده اند و یک تعداد هم متولد ایران هستند. دوسه نفر هم هستند که دوسه سال بیشتر نیست برای درس خواندن به ایران آمده اند.

● بهتر بود «وطن دار» مصاحبه محور باشد

مظفری با اشاره به اینکه به نظر می رسد روایت راوایان بیشتر از تجربه های مهاجرت به زندگی نامه آن ها تبدیل شده است گفت: «خیلی جاها مؤلف خسته شده و اثرش را خلاصه کرده است. یک تعدادی هم کلی نویسی کرده اند و کلی حرف زده اند. من به نظرم این کار راه حل داشت. اگر این روایت ها یکی دوتا بود خیلی خسته کننده به نظر نمی رسید، ولی وقتی با ۲۸ روایت روبه رو هستیم موضوع فرق می کند. از آن طرف ظاهرا به نویسنده گفته شده

درباره خاطرات مهاجرت هرچه می خواهی بنویس و طرف هم هرچه خواسته نوشته است. از ابتدای عمر مهاجران افغانستانی هم هست.

کاظمی در پایان صحبت هایش «وطن دار» را روایت نخبگانی از جامعه مهاجر افغانستانی دانست و نه همه جامعه مهاجر: «ما روایت خیلی از مهاجرانی را که به دلیل تنگناهای مختلف به موفقیت رسیدند در این کتاب نمی بینیم شاید به این دلیل است که فقط از اهل قلم درخواست کردیم که روایتشان را بنویسیم نه از یک کارگر یا کشاورز مهاجر. البته بعضی از نخبگان ما کارگر و معلم هم بوده اند و خود این ها هم درگیر مشکلات مختلفی بوده اند. می توانم بگویم این کتاب روایت نخبگانی جامعه مهاجر است نه همه جامعه مهاجر.»



خاورمیانه (MELA)، با اشاره به دومین سال برگزاری این همایش، گفت: «این همایش تصویری مثبت و مؤثر از کتابخانه های عمومی ایران در سطح بین المللی ارائه کرده است.» وی با بیان اینکه جامعه هدف ما کسب وکارهای کوچک زنان هستند، افزود: «در واقع بیشتر کسانی که در کسب وکارهای کوچک فعال هستند زنان، حاشیه نشینان و مهاجرانی هستند که به دنبال امرارمعاش خود هستند. حال اینکه کتابخانه های عمومی می توانند با ترویج خدمات محلی، در اختیار گذاشتن فضا و مشارکت عرضه، سنجش نیازهای اطلاعاتی و فراهم آوری منابع لازم برای کسب وکارهای کوچک نقش مؤثری در این مسیر ایفا کنند.» سیفی با اشاره به نقش مهم کتابداران در این حوزه، اظهار کرد: «برای حرکت در این مسیر لزوماً به تحصیلات و داشتن اطلاعات تخصصی کتابداران در حوزه های مختلف نیازی نیست و داشتن صبر و تعامل می تواند یکی از مؤلفه های اصلی در این حوزه باشد.» در ادامه جعفر مرارید، دستیار ویژه و معاون طرح و برنامه آستان قدس رضوی، احمد شعبانی، استاد علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه اصفهان و اعظم لیلی سیفی، استاد علم مطالعات و دانش شناسی دانشگاه بیرجند و ضو انجمن بین المللی کتابداران

کنیم و از طرفی نیز نباید نسبت به نیازهای جامعه بی تفاوت بود.» وی تصریح کرد: «نیاز جامعه امروز نیز مسئله معیشتی و اقتصادی است. در همین راستا کتابخانه ها توسعه خدمات حوزه معرفی کسب وکارهای کوچک را جزو اولویت های خود قرار داده است.»

منصور کوهی رستمی، رئیس انجمن علمی ارتقای کتابخانه های عمومی ایران، با بیان اینکه کتابخانه های عمومی نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا به فرهنگ سراهای اجتماعی تبدیل شده اند، گفت: «کتابخانه های عمومی باید به پایگاه هایی برای رفع نیازهای مختلف مردم تبدیل شوند و یکی از مهم ترین و اساسی ترین این نیازها، توجه به کسب و کارهای کوچکی است. افراد بسیاری در این حوزه فعالیت می کنند که نیازمند دریافت اطلاعات و دانش لازم برای ترویج و معرفی کسب وکار خود هستند و کتابخانه ها می توانند به عنوان یک پایگاه و راهنما نقش خود را به درستی ایفا کنند. در واقع، می توان با توجه به این نگاه و رویکرد به مدل های جدیدی از کتاب خوانی و دسترسی به اطلاعات در کتابخانه ها رسید.»

لیلی سیفی، استاد علم مطالعات و دانش شناسی دانشگاه بیرجند و ضو انجمن بین المللی کتابداران

این کتاب هم امتیازات خاص خودش را دارد.» مظفری عنوان اثر را عبارتتاری رایج در بین افغانستانی هادر سرتاسر دنیا بیان کرد و ادامه داد: «عبارت اصیل وطن دار در افغانستان رایج است. نامی که درواقع دووجهی است. اول اینکه ایهام دارد، یعنی نویسنده خواسته از وطن دار این معنی را استخراج کند که همه این نویسندگان در وطن مشترکی زندگی می کنند و دوم اینکه وجهی از تاریخ شفاهی افغانستانی را هم در خود دارد.» مظفری در ادامه صحبت هایش به این موضوع اشاره کرد که نقد آثاری مانند «وطن دار» بسیار دشوار است زیرا که نویسنده واحدی ندارد و از ساختار یکسانی هم برخوردار نیست: «شما وقتی کتاب شعر یا داستانی برای نقد و بررسی داشته باشید با متن یک نفر روبه رو هستید. آنجا اثر را به لحاظ زبانی یا وجوه دیگرش بررسی می کنید اما اینجا شما با روایت ۲۸ نفر روبه رو هستید و پرداختن به همه این ها کار دشواری است و هرکدام سبک های مختلفی دارند. پس ناچاریم به جنبه های دیگر نقد کتاب بپردازیم و ساختار کتاب چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ ایده و معانی که پس کار وجود دارد.»

این پژوهشگر و نویسنده افغانستانی فرم و ترتیب «وطن دار» را فاقد معنای مشخصی بیان کرد و ادامه داد: «کتاب با روایت مرحوم سرور رجایی شروع شده که البته چون ایشان موقع تدوین کتابش در قید حیات نبوده قاعدتا باید در ابتدا می آمده اما از ایشان که بگذریم معمولاً برای چیدمان روایت ها دو انتخاب وجود دارد: وی باید براساس سن و سال باشد یا براساس حروف الفبا. وقتی به این کتاب نگاه می کنم چیزی دال بر

این نظم و ترتیب نمی بینم. حالا اینکه مبنای کار چه بوده نمی دانم. احتمال می دهم بیشتر براساس حجم متن ها این چیدمان را انتخاب کرده اند. نکته بعدی این است که اینجا از لحاظ تناسب، سن و سال راوایان رعایت نشده است. به عنوان مثال در این گونه کارها آدم هایی که باهم از لحاظ سن و سال قرار دارند در یک مجموعه جمع کنیم، درحالی که در این کتاب از متولد سال ۴۱ روایت دارد تا متولد دهه شصت و هفتاد.»

مظفری علاوه بر این معتقد بود حوزه فعالیت راوایان هرچه به هم نزدیک تر می بود ساختار اثر انسجام بیشتری می داشت: «اگر اثر تعدادی ادیب،

● کارهایی ارزشمند با مشکلات زیاد

ابوطالب مظفری، شاعر و پژوهشگر سرشناس افغانستانی نخستین سخنران این جلسه بود که به ارزش ها و دشواری های گردآوری ۲۸ روایت در یک کتاب اشاره کرد و گفت: «اول باید بگویم که چنین کارهایی مشکلات خودش را دارد. یکی این است که این تعداد نویسنده سر موقع مطالبشان را تحویل نمی دهند. من خودم از این بدقولی ها کردم. هنوز پیام های تلگرامی مرحوم رجایی را دارم که به من پیام می داد متن چه شد و با کلی تأخیر متن را ادا دم در صورتی که من جزو کسانی بودم که از ابتدا موافق این کار بودم. این تازه یک مرحله از کار است. مرحله بعد این است که متن برای گردآورنده یا ناشر رضایت بخش نیست. از این دست مشکلات در کار تدوین چنین کارهایی زیاد به وجود می آید برای همین فردی که می خواهد از این کارها بکند باید صبور باشد و تحملش هم بسیار. پس در وهله اول باید بگویم چنین کارهایی هم برای ناشر و هم برای مؤلف ارزشمند است و درخور تحسین.»

مظفری در ادامه صحبت هایش در مجموع «وطن دار» را اثر موفق و خوبی برای گردآورنده بیان کرد و گفت: «در قدم اول اگر دیدیم اثری با این شکل و شمایل در نوشته های نویسندگان کم و کاستی رخ نداده، اتفاق خوبی است. از طرفی، صورت کار یک صورت پذیرفتنی و از جهتی شکیل و قابل دفاع است، هم کاغذ، هم فوت و هم ویراستاری و تا آنجایی که من، دست کم در روایت خودم، دیدم هیچ دخل و تصرفی از طرف گردآورنده در روایت من انجام نشده است. ارزش چنین کارهایی را زمانی متوجه می شوید که می بینید مقاله ای به روزنامه ای می فرستید یا مصاحبه ای انجام می دهید و بعد از انتشار زمین تا آسمان با چیزی که نوشیدید و گفتید فرق می کند و حتی می مانید جواب مخاطبتان را چه بدهید.»

● نقد آثاری مانند «وطن دار» دشوار است

مظفری معتقد است «وطن دار» را باید در زمره تاریخ شفاهی قلمداد کرد، هرچند در تعریف خاصی از تاریخ شفاهی نمی گنجد چون تاریخ شفاهی مصاحبه محور است: «از آن جایی که نویسندگان این مجموعه تجربه های شخصی خودشان از یک مقطع زمانی خاص را در روایتشان منعکس کرده اند این اثر را در زمره تاریخ شفاهی می دانم. سفرنامه ها، خاطره ها، یادداشت ها و زندگی نامه نویسی چه خود شخص این کار را بکند یا با او مصاحبه گرفته شود این ها تاریخ شفاهی است منتها با درجای دورتر از یک متن مصاحبه محور. البته



دومین همایش بین المللی کتابخانه های عمومی و کسب وکارهای کوچک در مشهد برگزار شد

فرهنگ سازمانی کتاب داران و پژوهشگران این حوزه در راستای تبیین بیش از پیش مفاهیم هستیم که از اهداف اصلی این همایش نیز است.

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی هم در ادامه گفت: «کتابخانه های عمومی بر اساس تعاریف استادان بزرگ علم کتاب داری امروز به عنوان دانشگاه های مردمی، مرکز پژوهش و گفت وگو، مهارت افزایی و مکان سوم بعد از خانه و مدرسه و محل کار معرفی می شوند که در راستای ایجاد نشاط و امید اجتماعی فعالیت می کنند.» وی ابراز کرد: «به طور قطع هدف از برگزاری این همایش بین المللی معرفی ظرفیت های مناسب و مؤثر کتابخانه های عمومی در حوزه معرفی، ترویج و حمایت از کسب وکارهای کوچک به عنوان پایگاه های مردمی و مورد وثوق مردم است.»

● کتابخانه های عمومی پایگاه هایی برای رفع نیازهای مردم

سجاد محمدیان، مدیرکل دفتر پژوهش و آموزش نهاد کتابخانه ها، دیگر سخنران این همایش به این اشاره کرد که کتابخانه های عمومی در تمام دنیا در مسیر توسعه خدمات گام برمی دارند: «اگر به دنبال ادامه حیات کتابخانه های عمومی هستیم باید نسبت به معرفی بیشتر و مؤثر کتابخانه ها اقدامات لازم را با وجود تمامی محدودیت ها و محرومیت ها انجام دهیم. باید به توسعه خدمات کتابخانه ای توجه

عروجی

گزارش

دومین همایش بین المللی کتابخانه های عمومی و کسب وکارهای کوچک با حضور معاون برنامه ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مدیرکل آموزش و پژوهش نهاد کتابخانه های عمومی کشور و جمعی از استادان حوزه کتاب به میزبانی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی در کتابخانه مرکزی امام خمینی (ره) مشهد مقدس برگزار شد.

● کتابخانه ها بخشی از ساختار اجتماعی هستند

سیدباقر میرعبیداللهی، معاون برنامه ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات نهاد کتابخانه های عمومی کشور، در ابتدا با بیان اینکه نهاد کتابخانه ها به دنبال تفسیر و کارکرد جدیدی از مفهوم ارائه خدمات به مراجعان است، گفت: «ما اعتقاد داریم کتابخانه ها سازمان های اجتماعی و بخشی از ساختار اجتماعی جامعه هستند که توان ارائه خدمات به همه اقشار را دارند و این ویژگی قدرتی فراتر از دیگر سازمان ها به کتابخانه ها می دهد. از طرفی تلاش ما بر این است که به مرتبه ای فراتر از دافینه سازی اطلاعات برسد. وی افزود: «البته برای رسیدن به این هدف نیازمند تدوین و تبیین هستیم. مهم ترین چالش کتاب خوان ها و دانشگاه ها در این ایده، باورها و ذهنیات است. به عبارت ساده تر نیازمند تغییر